دوشنبه 12 بهمن 1394 - 10:30

# چرا گاهی به قرآن، کریم و گاهی مجید می گویند؟/ صفات قرآن در قرآن

قرآن وجوه حسن و نیکی بسیاری دارد که آن ها با صفاتی بیان می شوند و در خود قرآن تعدادی از این صفات بیان شده است اما از بین این اوصاف، دو وصف کریم و مجید، مشهورتر شده اند.

قرآن وجوه حسن و نیکی بسیاری دارد که آن ها با صفاتی بیان می شوند و در خود قرآن تعدادی از این صفات بیان شده است اما از بین این اوصاف، دو وصف کریم و مجید، مشهورتر شده اند.

به گزارش خبرنگار مهر، قرآن وجوه حسن و نیکی بسیاری دارد که آن ها با صفاتی بیان می شوند و در خود قرآن تعدادی از این صفات بیان شده است، از جمله:

۱. با شکوه: «وَ الْقُرْءَانِ الْمَجِيدِ»[ق/۱]

۲. کریم به معنای ارجمند: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كريمٌ»[واقعه/۷۷]

۳. حکیم به معنای حکمت‌آموز: «وَ الْقُرْءَانِ الْحَكِيمِ»[یس/۲]

۴. عظیم به معنای بزرگ: «وَ الْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ»[حجر۸۷]

۵. عزیز به معنای قوی و محکم: «وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ»[فصلت/۴۱]

۶. مبارک به معنای خجسته: «وَ هَاذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ»[انبیاء/۵۰]

۷. مبین به معنای روشن‌گر: «وَ قُرْءَانٍ مُّبِينٍ»[حجر/۱]

۸و۹. متشابه به معنای همانند "کتابی که آیاتش در لطف، زیبایی، عمق و محتوا همانند یک دیگر است" و مثانی به معنای مکرر: «اللّهُ نَزّلَ أَحْسَنَ الحْدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مّثَانىَ» [سورة زمر/۲۳]

۱۰. عربی به معنای زبان روشن، گویا و فصیح. «قُرْءَانًا عَرَبِيًّا»[یوسف/۲]

۱۱. غیر ذی عوج به معنای کژ نبودن. «قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيرْ ذِى عِوَجٍ»[زمر/۲۸]

۱۲. ذی الذکر به معنای پراندرز. «الْقُرْءَانِ ذِى الذِّكْرِ»[ص/۱]

۱۳و۱۴ . بشیر به معنای بشارت‌گر و نذیر به معنای هشدار دهنده. «بَشِيرًا وَ نَذِيرًا»[فصلت/۴]

۱۵. قیم به معنای راست و درست. «قَيّمًا»[کهف/۲]

اما از بین این اوصاف، دو وصف مشهورتر شده و غالبا همراه ذکر قرآن، بیان می شوند. که دو واژه کریم و مجید هستند.

کریم از ماده کرم (بر وزن فرس) است و کرامت بمعنی سخاوت، شرافت، نفاست و عزّت است.پس کریم بمعنی سخی است همچنین بمعنی نفیس و عزیز است و هر چیزیکه در نوع خود شریف است با کرم توصیف میشود. و قرآن کریم: یعنی قرآن شریف و محترم و گرانقدر.[۱]

صفت کریم بیانگر آن است که قرآن عزیز و گرامی است، چون سخن خدا است که بر پیامبر(ص) وحی شده است. برخی گفته‌اند کریم است، چون عطا و بخشش آن زیاد است. قرآن به صفت کریم نامیده شده، چون دلایلی را که به حق می‌رساند، به خوبی ارائه کرده است. برخی گفته‌اند کریم اسم جامع و شامل است برای هر چیز که مورد ستایش قرار می‌گیرد و قرآن به خاطر پدیده‌های مورد ستایشی که در آن قرار دارد (مانند هدایت و نور و بیان و حکمت) کریم نامیده شد، چون فقیه از آن یاد

می‌گیرد و به وسیله آن استدلال می‌کند؛ نیز حکیم از آن کمک می‌گیرد و با آن احتجاج می‌کند و برهان اقامه می‌نماید؛ چنان که ادیب از آن بهره می‌گیرد و به وسیله آن تقویت می‌شود، پس هر دانشمندی، ریشه و اصل علم خود را از آن می‌گیرد. جهات دیگری نیز در علت این نام‌گذاری گفته‌اند که در تفاسیر ذکر شده است.[۲]

و " مجید" از ماده" مجد" به معنی گستردگی شرافت و جلالت است، و این معنی درباره قرآن کاملا صادق می‌باشد، چرا که محتوایش عظیم و گسترده، و معانیش بلند و پرمایه است، هم در زمینه معارف و اعتقادات، و هم اخلاق و مواعظ، و هم احکام و سنن.[۳]

صفت مجید بیانگر یکی دیگر از ویژگی های کلام خدا و قرآن است، و آن اینکه این کتاب مجد و عظمتی به انسان می‌بخشد که هیچ کتابی دیگری نمی‌بخشد، زیرا کلام خدایی است که بالاتر از او چیزی نیست؛ نیز کتابی است که باطل در آن راه ندارد و دست تحریف بدان نرسیده، همچنین زیاده و کاستی در آن راه نیافته است.[۴]

[۱]. قاموس قرآن، ج۶، ص: ۱۰۳.

[۲]. لباب التأویل فی معانی التنزیل، علاءالدین علی بن محمد بن ابراهیم، ج ۴، ص ۲۴۲.

[۳]. تفسیر نمونه، ج۲۶، ص: ۳۵۳.

[۴]. تفسیر ثعلبی، ج۹، ص ۲۱۹.